

« زن و مطالعات خانواده»

سال هفتم - شماره بیست و هشتم - تابستان ۱۳۹۴

ص: ۳۵-۵۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۰

بررسی و مطالعه میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده در شهرستان بجنورد و عوامل موثر بر آن

زهرا رضاپور^۱
دکترحمید انصاری^۲

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده در شهرستان بجنورد انجام گرفت. می‌باشد، چارچوب نظری مورد استفاده در تحقیق مذکور، نظریه «منبع» و «جامعه پذیری جنسیتی» است. این تحقیق به روش پیمایش، با جمعیت نمونه‌ای به تعداد ۳۸۳ نفر در سال ۱۳۹۳ در شهر بجنورد از میان ۱۱۵۸۴۲ نفر زنان متاهل انجام شده است. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته و شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای میزان بهره مندی از منابع شامل منزلت شغلی هر یک از زوجین و دارایی‌های زنان و نگرش‌های جنسیتی شامل تصور زنان از نقش خود، تصور زنان از نگرش شوهر بیشترین اثر را در میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری‌های خانواده دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت^۳، تصمیم گیری^۴، بهره مندی از منابع^۵، جامعه پذیری جنسیتی^۶

۱. کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران- ایران

۲. دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران- ایران

- 3 . Partnership
- 4 . Decision - making
- 5 . Benefit from sources
- 6 . Gender sociability

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که در تمامی جوامع بشری تحت تأثیر شرایط مختلف دچار تحول شده است. سیر تغییرات ایجاد شده نشان می‌دهد خانواده از شکل سنتی به سوی مدرن در حرکت است. در خانواده سنتی، مرد با قرار گرفتن در رأس هرم قدرت و به عنوان تنها نان آور و تأمین کننده منابع اقتصادی از اختیار زیادی در اتخاذ تصمیمات برخوردار است. از آن طرف زن، در قاعده هرم قدرت خانواده و ایفای نقش‌های عاطفی و احساسی مشارکت سهم بسیار اندکی در اتخاذ تصمیمات مهم زندگی دارد. در مقابل در خانواده مدرن، تا حدی شاهد همکاری زوجین در انجام مسئولیت‌های مربوط به امور خانواده هستیم. به طوری که تنها نقش زن؛ خانه داری، همسرداری، بچه داری و تنها وظیفه مرد؛ نان آوری و تأمین درآمد خانواده نیست و زن و مرد در مهمترین امور زندگی با یکدیگر مشارکت دارند. جامعه زنان در طی چند دهه گذشته تحولاتی را پشت سر گذاشته است، با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عمومی و همگانی، وسایل ارتباط جمعی و تغییر نگرش‌ها، شاخص‌های قدرت تغییر کرده و حضور زنان ابعاد جدیدی یافته است، زنان توانمندی‌های خود را شناخته و در جهت ارتقای آن گام برداشته‌اند و بنابراین بیش از پیش در عرصه‌های مختلف، مشارکت خود را افزایش داده‌اند. گیدنز می‌گوید: «جوامع ما از نظر روابط میان دو جنس، هر روز مساوات طلب‌تر می‌شود. امروزه قدرت زنان در زندگی خانوادگی بیش از هر زمان دیگری است، این دگرگونی، ساختاری است و ابعاد جهانی دارد» (گیدنز^۱، ۱۳۸۴: ۲۵۳).

«امروزه زنان در ادبیات توسعه، جایگاه مهمی یافته‌اند، بدین معنا که بخش عمده‌ای از توسعه، معطوف به زنان گردیده است یعنی آنها می‌بایست در توسعه نقش داشته باشند» (شیخی، ۱۳۸۷: ۴۶). در حال حاضر بر اساس گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد ۶۰ درصد از ورودی‌های دانشگاه زن بوده‌اند، همچنین در سال ۱۳۵۵ نرخ باسوادی در میان زنان تنها ۳۶ درصد بود که در سال ۱۳۷۵ این نسبت به ۷۲ درصد افزایش پیدا کرده است و امروزه این نسبت از ۸۴ درصد هم فراتر رفته است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۶۵). اما علیرغم این تغییرات هنوز شاهد الگوهای عمیق جنسیتی در سطح جامعه می‌باشیم که روابط اجتماعی زنان را متأثر می‌سازد.

این مسئله از آن جهت مهم است که یکی از مهمترین دغدغه‌های سیاستگذاران دستیابی به توسعه است، قطعاً در این میان بهره برداری کامل و متناوب از منابع انسانی به عنوان یکی از اهداف استراتژیک توسعه مطرح است و از آنجایی که زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع منبع انسانی عظیم در جامعه مطرح هستند لذا مشارکت و پیوند آنان با توسعه اهمیت حیاتی برای رشد جامعه دارد. در واقع زنان با

1. Giddense

حضور فعال خود می‌توانند در بالا بردن سطح تولید و بهره‌وری و ایجاد توسعه پایدار سهم به‌سزایی داشته باشند.

از طرفی، بی‌توجهی و کم‌ارزش شدن نقش زنان در زندگی و نابرابری در توزیع قدرت و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها به صورت کانون مشاجره‌های زناشویی درآمده و عامل بی‌ثباتی خانواده‌ها شده است. آنچنان که گود معتقد است: «معمولاً مردان قدرتشان را بر زنان تحمیل می‌کنند هر چند به ظاهر زنان منشاء ابتکار و تصمیم‌اند ولی به نظر می‌رسد که این قدرت را مردان به زنان تفویض کرده و همواره خود را محق بر عدول از این تصمیم می‌دانند.

اگر مرد بخواهد در مقابل امیال زن مقاومت کند به راحتی از عهده آن بر می‌آید» (گود^۲، ۱۳۵۲: ۲۰۷). و زنان کماکان با موانع زیادی در راستای ایفای نقش شایسته و قابلیت‌هایشان برای مشارکت و حضوری متعارف در صحنه‌های مختلف رو به رو هستند.

همچنین به دلیل ارتباط نزدیکی که بین خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی وجود دارد، عدم مشارکت زنان پیامدهای دیگری از جمله موارد زیر به دنبال دارد: نخست؛ هر انسانی اولین مراحل جامعه‌پذیری را در کانون خانواده پشت سر می‌گذارد، بنابراین نمونه‌های عدم مشارکت و نابرابری جنسیتی را در خانواده تجربه نموده و به جامعه منتقل می‌نماید. دوم؛ مادر که مهمترین کارگزار اجتماعی و جامعه‌پذیری تلقی می‌شود این باور را به نسل‌های آتی منتقل می‌نماید. آن چنان که صانعی معتقد است: «الزام {به} اطاعت توأم با رضایت زن از کلیه خواسته‌ها و نظرات شوهر موجب اثرات منفی در کودکان و به صورت عدم استقلال فکری و عاطفی می‌گردد. در خانواده سنتی بحثی صورت نمی‌گیرد و فکری مبادله نمی‌شود. پدر تصمیم می‌گیرد و دیگران اجرا می‌کنند همسر جزء در مواردی که شوهر اجازه می‌دهد، اظهار نظر نمی‌کند و کودک نیز فرصتی برای اظهار وجود و دخالت در کارهای خانه پیدا نمی‌کند» (صانعی، ۱۳۵۵: ۲۳) و این گونه رفتار و باور در محیط خانواده از طریق مکانیسم اجتماعی کردن به فرزندان منتقل می‌شود که این مسئله می‌تواند بازتابی گسترده در سطح جامعه داشته باشد. سوم؛ باعث می‌شود زن موقعیت فرودست خود را بپذیرد و در جامعه از مطالبه و پذیرش نقش‌های مهم امتناع نموده و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت نداشته باشد. تصمیم‌گیری فرایندی انتزاعی است که در ذهن افراد جریان یافته و مقدمه انجام یک کار است و مشارکت نیز جریانی است که در طی آن به افراد اجازه دخالت و تأثیر گذاری در فرایند تصمیم‌گیری را می‌دهد، بنابراین مشارکت و تصمیم‌گیری دو مقوله جدا از هم نیستند و کاملاً با هم مرتبط‌اند. اوکلی^۱ نیز معتقد است: مشارکت وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌ها و بهره‌مند شدن از اثر آن تلقی می‌شود (اوکلی ۱۳۷۰، ۱۳۲). مشارکت زمینه‌مناسبی را برای دخالت افراد در فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی فراهم می‌سازد و عاملی تعیین‌کننده در توسعه و رشد تمامی جوامع بشری محسوب می‌شود. در بحث

تصمیم‌گیری و قدرت نیز می‌توان گفت مفهوم قدرت در رابطه مستقیم با مفهوم تصمیم‌گیری قرار دارد. بدین معنا فردی که دارای قدرت بیشتری است امکان تصمیم‌گیری بیشتری دارد و از آن جاییکه قدرت؛ توانایی تحمیل اراده فرد بر اشخاص دیگر است، لذا واضح است فردی که صاحب قدرت است در مواجهه با سایر افراد نفوذ بیشتری دارد و تصمیم‌گیرنده نهایی است از طرفی این قدرت با دسترسی فرد به منابع و امکانات بدست می‌آید و هر چه این منابع و امکانات بیشتر باشد، قدرت فرد نیز افزایش می‌یابد. در بحث قدرت و مشارکت، مشارکت نوعی توزیع مجدد قدرت است که به سبب آن بستری مهیا می‌شود که فرد بتواند در فرایند تصمیم‌گیری مؤثر واقع شود. در واقع میزان مشارکت واژه‌ای برای طبقه‌بندی میزان قدرت به خصوص در زمینه تصمیم‌گیری است. بنابراین رابطه در هم تنیده‌ای بین مشارکت، قدرت و تصمیم‌گیری وجود دارد، این رابطه در بحث خانواده نیز قابل تعریف است. در سطح خانواده مشارکت زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که زنان در تصمیمات مهم صاحب نفوذ باشند و در این بین هر چه زنان از قدرت بیشتری برخوردار باشند میتوانند حضوری فعال یافته و با بروز توانمندی و پرورش خلاقیت و استعدادها، خویشتن‌دختلی مستقیم در امور مهم داشته باشند. با توجه به رابطه مشارکت، تصمیم‌گیری و قدرت در ادامه نظریاتی مرتبط با این مقوله‌ها می‌آوریم. نظریه پردازان تئوری کارکردگرایی، به تفکیک نقش‌ها تأکید دارند و توزیع قدرت را در حیطه و قالب نقش مورد بررسی قرار می‌دهند. لذا این دیدگاه در مقابل دیدگاه تضاد و فمینیسم قرار دارد. شلسکی^۱ یکی از متفکرین مکتب کارکردگرایی متأثر از شرایط بحرانی بعد از جنگ جهانی دوم سعی در ترسیم شکل مطلوب از خانواده دوران خود نموده است و خانواده را به عنوان تنها «باقیمانده ثبات اجتماعی» در نظر گرفته و در نظریاتش سعی در تقویت و حفظ این نظام کرده است. او وظیفه جامعه‌شناسی را تقویت تشکیل گروه‌های کوچک و مناسبات خصوصی انسان‌ها و بازسازی و یا قوام بخشیدن به خانواده می‌داند (روزنباوم^۲، ۱۳۷۶: ۳۱). «از دید شلسکی این مجموعه یعنی پدر، نان آور قدرتمند و مادر مسئول فرزندان را برای حفظ ثبات اجتماعی باید به هر قیمتی حفظ کرد» (اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). پارسونز^۳ نیز به عنوان یکی از مهمترین صاحب نظران این مکتب و یکی از کسانی که نقش رهبری در حوزه خانواده بررسی کرده است معتقد است «همان طور که نظام اجتماع در مجموع بر اساس تخصص و تفکیک است، خانواده نیز که بار نظامی از نظام کل است بر مبنای تفکیک وظایف بنا شده است» (میشل، ۱۳۵۴: ۷۲) به طور کلی می‌توان گفت؛ پارسونز با تشابه وظایف و مسئولیت‌های اعضای خانواده با یکدیگر مخالف است و پیامد آن را برای خانواده ناگوار می‌داند «از نظر پارسونز اگر کارکردها و جهت‌گیری‌های زنان و مردان در خانواده بسیار شبیه هم گردند، رقابت میان آنان زندگی خانوادگی را مختل خواهد کرد و نقش تعیین‌کننده خانواده از لحاظ استواری اجتماعی ضعیف خواهد شد» (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۶۷) یکی دیگر از دیدگاه‌های مهم در جامعه‌شناسی دیدگاه فمینیسم

1. Shlsky
2. Rosnbaum
3. Parsons

است که به شدت با نظریات کارکردگرایی در ارتباط با توزیع قدرت و تفکیک نقش‌ها مخالف است در اندیشه محققان این نظریه نابرابری در میان زنان و مردان یکی از مفاهیم چالش برانگیز و کلیدی است. گرایش‌های مختلف فمینیسم معتقدند خانواده جایگاه نابرابری است که در آن زنان فرودست و نقش‌هایشان تثبیت می‌شوند. آن‌ها به گونه‌ای خاص به مسأله توزیع قدرت در خانواده و تفکیک نقش‌ها پرداخته و آن را بیشتر مردانه و محافظه کارانه می‌دانند. (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۴۶). فمینیست‌های رادیکال بیشترین توجه را به خانواده داشته و معتقدند که نابرابری‌های زندگی بازتاب قدرت مردسالاری مردان است. آنان معتقدند تمامی زنان صرف نظر از تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی، طبقاتی یا نژادی تحت ستم‌اند. خانواده که زنان را به بردگی جنسی و مادر شدن وا می‌دارد، ابزار اصلی ستم بر زنان است. البته آن‌ها تفاوت‌های زیستی میان مردان و زنان را به کلی انکار نمی‌کنند و تنها نسبت به تعبیری که از این تفاوت‌ها شده است اعتراض دارند. این نظریه ریشه ستم بر زنان را در قابلیت مادری ایشان یا در خشونت ذاتی مردان میدانند که در تجاوز جنسی متجلی می‌شود (آبوت و والاس، ۱۳۹۰: ۳۳). «فمینیسم مارکسیست به طور اخص سرمایه داری را مسئول ظلم و ستم به زنان در خانه داری و کارهای تولیدی آنان می‌داند» (مطیع، ۱۳۷۲: ۱۳۱). این «طبع» زن نیست که او را به نقش مادر/ زن خانه دار محدود می‌کند بلکه این ناشی از نیازهای اقتصاد سرمایه داری است. ارزش‌های سرمایه داری استعدادها و توانایی زنان را عامدانه سرکوب می‌کند (گرت، ۱۳۸۳: ۷۷). فمینیسم لیبرال به تبعیض جنسی اشاره می‌کند، تبعیض جنسی که مانند ایدئولوژی نژادپرستی است، از پیش داورها و عرف‌های تبعیض آمیز علیه زنان و باورهای پذیرفته شده درباره تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد که سرنوشت‌های اجتماعی متفاوتی را برای دو جنس رقم می‌زنند، ساخته می‌شود. به خاطر همین تبعیض جنسی است که زنان از همان کودکی محدود و علیل می‌شوند تا آن که نقش‌هایی را در بزرگسالی پذیرا گردند که آنها از انسانیت کامل محروم سازد و به موجودات کودن، وابسته و ناخودآگاه افسرده‌ای تبدیل سازد (ریترز، ۱۳۸۹: ۱۴۷). هریت تیلور، یکی از پیشگامان فمینیسم لیبرال، معتقد است: «که نابرابری جنسی نتیجه احکام و دستورهای طبیعت نیست، بلکه نتیجه رسوم و سنت‌های جامعه است» (بستان، ۱۳۸۳: ۴۲). در مکتب تفهیمی ماکس وبر و پیروان او، مشارکت با مفهوم احتمال، همراه می‌باشد، معنای این سخن آن نیست که مشارکت افراد در زندگی اجتماعی لزوماً خصلت موقتی دارد. بلکه منظور این است که امکان دارد که میزان این احتمال در شرایط مختلف و بنا به عوامل مختلف کاسته شود یا حتی در مواردی کاملاً منتفی گردد. وبر همچنین چهار نوع آرمانی تبیین‌های کنش و رفتار اجتماعی مانند مشارکت را مطرح می‌کند. دو نوع آن عقلانی هستند: کنش عقلانی در رابطه با هدف و کنش عقلانی در رابطه با ارزش و دو نوع غیر عقلانی کنش عاطفی و کنش سنتی. در کنش عقلانی معطوف به هدف فرد کنش احتمالی را بر حسب هزینه‌ها و منافع و هدف‌ها ارزیابی می‌کند (مانند رفتار اقتصادی عقلانی)؛ و در کنش عقلانی معطوف به ارزش هدف‌ها را مورد سؤال قرار نمی‌دهد بلکه هزینه‌ها و منافع وسایل معینی را ارزیابی می‌کند (مانند پذیرفتن یک

آرمان مذهبی به عنوان مؤثرترین وسیله برای دستیابی به هدف). کنش عاطفی تحت سلطه عواطف و کنش سنتی تحت سلطه رسوم و عادات است (موسوی، ۱۳۹۱: ۶۴). بنابراین برحسب نظر وبر میتوان چنین نتیجه گرفت که اگر مشارکت را هدف فرض کنیم، کنش فردی که مشارکت می‌کند کنش عقلانی معطوف به ارزش است اگر فرد مشارکت را وسیله خوبی برای دستیابی به هدف خود بداند، به مشارکت روی خواهد آورد (موسوی، ۱۳۹۱: ۶۵). در نظریه تضاد دیدگاه نابرابری جنسیتی ضرورت جوامع سرمایه داری است. منشاء کلی نابرابری جنسی از دیدگاه ستیزگران عبارت است از نابرابری اقتصادی بین مردان و زنان، چون مردان نسبت به زنان کمک اقتصادی بیشتری به خانواده می‌کنند پس پایگاه برتری هم در خانواده و هم در جامعه دارند (رابرتسون، ۱۳۷۳: ۲۸۳). نظریات مختلفی پیرامون مشارکت و تصمیم‌گیری زنان مطرح می‌باشد اما در این پژوهش بنا داریم از نظریه‌ی «منبع» و «جامعه‌پذیری جنسیتی» استفاده نماییم. نظریه منبع برگرفته از نظریه مبادله است. همانطور که در تعاریف مختلف از قدرت اشاره شد برخی از جامعه‌شناسان قدرت را در منابعی می‌دانند که فرد آن را در اختیار دارد و یا آن را کسب می‌نماید. بنابراین فرض اساسی در نظریه منابع این است که فرد منابع و امکاناتی را در اختیار دارد که جهت رسیدن به اهداف، نیازها و علایقش مهم است و می‌تواند بر روی دیگران که اهداف و نیازها و خواسته‌های مشابهی دارند اثر بگذارد و در برابر اهداف و خواسته‌های دیگرانی که چنین منابعی را در اختیار ندارند مانع ایجاد کنند که می‌توان آن را نوعی اعمال قدرت دانست. در خانواده نیز طبق این نظریه، هر یک از زوجین به هنگام ازدواج منابعی را به همراه خود می‌آورند که این منابع باعث می‌شود فردی که صاحب آن است در موازنه قدرت در خانواده برای خود دارای جایگاه شود و بتواند در زمان تصمیم‌گیری با تأکید بر منابعی که در اختیار دارد اعمال نظر نماید. به عبارتی بین منابع در دسترس زوجین و میزان قدرت آنان رابطه وجود دارد. این منابع ارزشمند بطور اخص شامل: تحصیلات، شغل، قدرت مالی، منزلت شغلی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی هر یک از زن و شوهر می‌باشد که همان طور که گفتیم به میزان برخورداری هر یک از این منابع، افراد دارای قدرت و مشارکت بیشتری در تصمیم‌گیری در امور خانواده می‌شوند، به نحوی که برای رسیدن به خواسته‌های خود نوعی مبادله برای فرد مقابل انجام می‌دهد فرد مقابل نیز چون فاقد آن است برای دستیابی آنچه که بدان نیازمند است به ناچار یا قدرت طرف مقابل را می‌پذیرد و تسلیم می‌شود و یا از خواسته خود صرف نظر می‌کند و یا تلاش می‌کند به شیوه دیگر به خواسته خود برسد و هر چه اختلاف بین این منابع بیشتر باشد اختلاف قدرت بین زن و شوهر نیز بیشتر می‌شود. همچنین بر اساس این نظریه سن و طول مدت ازدواج نیز از متغیرهایی به شمار می‌روند که بر روی توزیع قدرت و میزان مشارکت تأثیر می‌گذارند.

نقش‌های جنسیتی که عبارتند از: «مجموعه انتظاراتی درباره رفتاری که برای افراد دارای آن جنسیت مناسب تلقی می‌شود. این انتظارات بسته به نحوه‌ی تعریف «مردانگی» و «زنانگی» فرق دارد» (گرت^۱)

۱۳۸۳: ۲۳) و بر اساس آن، ویژگی‌های اساسی جنسیت که از زن و مرد انتظار است؛ در اوایل زندگی و در محیط خانواده فرا گرفته می‌شود و سپس در محیط‌های مدرسه، گروه همسالان و از طریق رسانه‌های گروهی و سایر عوامل جامعه‌پذیری تقویت می‌گردد. فرآیند جامعه‌پذیری زنان را دارای وضعیت فرودستی و مردان را در وضعیت فرادستی ترسیم می‌کند. همچنین رفتار والدین و طرز برخورد آنها با یکدیگر به عنوان الگویی برای رفتار آینده آنها تلقی می‌گردد؛ که بر اساس این دیدگاه می‌توان گفت ادراک زوجین و ایدئولوژی آنها در مورد نقش جنسیتی عامل مهمی در تثبیت روابط قدرت محسوب می‌شود. کافمن^۱ نیز معتقد است: «ایدئولوژی جنسیتی، باورهای قالبی معطوف به جنسیت و نگرش‌های نقش جنسیتی، که در برخی از فرهنگ‌ها بر نابرابری طبیعی و اجتماعی زن و مرد صحنه می‌گذارد، نیز میتواند قدرت فرد را در فرآیند تصمیم‌گیری خانوادگی کاهش دهد» (کافمن، ۲۰۰۰: ۱۲۸)

بنابراین نگرش‌های جنسیتی، منابع ارزشمند و متغیرهای زیستی اجتماعی مانند سن زوجین و طول مدت ازدواج هر یک به عنوان متغیرهای مستقل می‌توانند سهم مهمی را در میزان قدرت و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده به عنوان متغیر وابسته ایفا نمایند که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است.

از آنجا که موضوع زنان با عنایت به ساختار جامعه، یکی از مسائل اساسی جوامع می‌باشد و ایران نیز به عنوان جامعه‌ای در حال توسعه که یکی از معضلات آن مربوط به نیروی انسانی و بالا بودن نسبت جمعیت غیرفعال است، این مسئله مطرح می‌شود که در کشور ما چه میزان به توانمندی‌های زنان توجه شده است؟ از طرفی ایران که به دلیل ارتباط با سایر کشورها در معرض امواج جنبش‌های زنان قرار گرفته و شرایط افکار و اعتقادات زنان آن تغییر یافته به نحوی که روز به روز با خیل عظیمی از مطالبات آنان رو به رو می‌شود آیا واقعاً در فرآیند توسعه خود به مشارکت، نیازها و علایق نیمی از جمعیت خود توجه نموده است؟ پژوهش‌های متعددی در این زمینه در کشور انجام شده از جمله؛ جار اللهی (۱۳۷۱) که پژوهشی توصیفی با عنوان «تاریخچه اشتغال زنان در ایران» انجام داده و بدین نتیجه رسیده است که تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایرانی در طول تاریخ منزلت اجتماعی زنان و به تبع قدرت تصمیم‌گیری آنان را در سطح جامعه و خانواده دستخوش تغییر نموده است. بدین معنی که هر گاه جامعه برای مقام و موقعیت اجتماعی زنان اهمیت قائل بوده است، زنان توانسته‌اند نوآوری کنند و مشارکت بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها در سطوح مختلف داشته باشند. پژوهش امیریزی (۱۳۷۷) با عنوان «جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده» نشان داد که نوع نگرش زنان، درآمد و دارایی‌های آنان بر جایگاه زنان در هرم قدرت در خانواده مؤثر است. تحقیق امامی نصیر محله (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده» حاکی از معنا دار بودن رابطه میان میزان درآمد، میزان اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی، تعداد فرزندان و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده است. اطلاعات

حاصل از پژوهش ساروخانی و امیر پناهی (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی رابطه ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی» نشان می‌دهد که هرچه ساخت قدرت در خانواده برابر و مشارکتی‌تر باشد فرزندان در بزرگسالی به سمت مشارکت‌هایی با برد گسترده‌تر گرایش پیدا می‌کنند، بنابراین به دلیل اهمیت جایگاه خانواده در ایران، ایجاد زمینه‌هایی جهت رشد و تقویت خانواده‌های دموکراتیک‌تر و در نتیجه تربیت افرادی مشارکت‌جو بسیار اهمیت دارد. تحقیق «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی» کیانی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که متغیرهایی از قبیل مدت ازدواج، محل سکونت، سن، شغل و سن مرد هنگام ازدواج از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بوده به طوری که تمام متغیرهای مذکور، به صورت مستقیم (شغل مرد، سن مرد هنگام ازدواج) و یا غیر مستقیم (مدت ازدواج، محل سکونت و سن) تحت تأثیر موقعیت و وضعیت مردان در خانواده بوده است. نتیجه تحقیق مدیری (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی زوجین بر هرم قدرت در خانواده» حاکی از معنادار بودن رابطه بین قدرت برقراری ارتباط زوجین، اختلاف سنی زوجین، حمایت خانوادگی زوجین، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زوجین و تحصیلات آنان با هرم قدرت در خانواده است. نتایج پژوهش «تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی» توسلی و سعیدی (۱۳۹۰) بدین شرح بدست آمد: میزان دسترسی زن و مرد به منابعی همچون درآمد و تحصیلات می‌تواند اقتدار به نفع هر یک از آنها را در خانواده افزایش دهد، افزایش اعتقاد به ایدئولوژی جنس‌گرایانه در زنان موجب می‌شود تا اقتدار به نفع مرد در خانواده افزایش یابد. همچنین مشارکت زنان در تأمین مخارج خانواده می‌تواند اقتدار به نفع زن را در خانواده افزایش دهد. تحقیق «عوامل مؤثر بر قدرت تصمیم‌گیری زنان» گلشنی (۱۳۹۰) نشان داد که قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده در سطح بالایی است. همچنین مشاهده شد که میان اشتغال و دارایی شخصی زنان با افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده رابطه مستقیم و مثبت وجود داشته است. علوی (۱۳۹۱) در تحقیق «عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر تمایل زنان متأهل در هرم قدرت در خانواده در منطقه ۴ شهر تهران» نشان داد که بین فرهنگ باورهای زن، پایگاه اقتصادی، اجتماعی زن و همچنین سن و مدت ازدواج زن با قدرت وی در خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد. در خارج از ایران نیز زو و بیان^۱ (۲۰۰۵) در تحقیق «ساخت قدرت در تصمیم‌گیری خانواده» طی مصاحبه‌ای که از ۴۳ زوج در پکن انجام دادند نتیجه گرفتند: بین نگرش‌های جنسیتی مردان و اشتغال و درآمد زنان با میزان تصمیم‌گیری آنان در خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد یافته‌های تحقیق بکر^۲ و همکاران (۲۰۰۶) با عنوان «قدرت تصمیم‌گیری زنان در گواتمالا غربی» نشان داد که بین مشارکت زنان، درآمد و اشتغال آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج پژوهش ایدیران^۳ (۲۰۰۹) با عنوان «مشارکت زنان در تصمیم‌گیری خانگی» حاکی از آن بوده است که بین تحصیلات

1. Zuo and Bian

2. Becker

3. Oyediran

همسر با مشارکت زن رابطه معناداری وجود دارد. ادوین^۱ و ون (۲۰۱۰) تحقیقی با عنوان «استقلال زنان در تصمیم‌گیری خانواده» در نیپال انجام داده است که نتایج حاصل از آن نشان داد که هر چه قدرت سطح تحصیلات و آموزش زنان بالاتر باشند میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر بوده و از استقلال بیشتری برخوردار می‌باشند. نتایج پژوهش «مشارکت زنان در تصمیم‌گیری مسائل مربوط به خانواده» ظفر^۲ و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد بین میزان مشارکت زنان و پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. از تحقیق رشید^۳ (۲۰۱۱) با عنوان «بررسی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده» نتیجه گرفته شد که سن، تحصیلات و پایگاه اجتماعی خانواده زنان تأثیر معناداری بر میزان مشارکت آنان داشته است.

لازم به ذکر است ما در این پژوهش به دنبال سهم خواهی جنسیتی و اصالت بخشیدن به زن به صورت فردی نیستیم، بلکه می‌خواهیم به زن به عنوان یک عضو اصلی از نهاد خانواده و تبعاً اجتماع توجه نموده و با بررسی عوامل و پارامترهای مؤثر در این زمینه و یافتن رهیافت‌های مناسب برای برنامه ریزان پژوهش مذکور را به انجام رسانیم.

بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده می‌باشد.

ابزار و روش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، از نوع پیمایش می‌باشد که برای اجرای آن از ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. حجم نمونه پژوهش بر اساس جدول مورگان شامل ۳۸۳ نفر به عنوان نمونه آماری می‌باشد که از جامعه‌ای شامل کلیه زنان متأهل ساکن در شهر بجنورد به تعداد ۱۱۵۸۴۲ نفر در سال ۹۳ بدست آمده است. شیوه نمونه‌گیری تحقیق نیز، تصادفی طبقه‌ای می‌باشد.

برای سنجش روایی ابزار پژوهش، از روش اعتبار محتوا استفاده شد. در مرحله نخست براساس سوالات، فرضیات و مصاحبه پرسشنامه‌ای مقدماتی تدوین و تنظیم گردید. در مرحله دوم، پرسشنامه مذکور تکثیر و توسط ۳۰ نفر از زنان بطور اتفاقی تکمیل گردید. با انجام چنین کاری ضمن اینکه بالاترین مقدار واریانس متغیرهای تحقیق برای محاسبه حجم نمونه تحقیق بدست آمد پاره‌ای اصلاحات مورد نیاز نیز در پرسشنامه مذکور انجام و پرسشنامه نهایی تدوین و به مرحله اجراء گذاشته شد. برای سنجش میزان پایایی ابزار پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ^{۱۵} استفاده شد. با توجه به اینکه در پرسشنامه تحقیق از طیف لیکرت استفاده شده است، پس از همسو کردن گویه‌های آن و جهت سنجش انسجام درونی آنها، اقدام به محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای مجموعه گویه‌های مربوط به متغیرها گردید. مقدار آلفا غیر

1. Edwin
2. Zafar
3. Rashid

از یک مورد بیشتر از ۰/۰۷ بوده که بیانگر همبستگی درونی مناسب در بین مؤلفه‌های مربوط به هر شاخص می‌باشد.

یافته‌ها

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین بهره‌مندی از منابع و مشارکت زنان رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های اختصاصی

- بین تحصیلات زوجین و مشارکت زنان رابطه وجود دارد.
- بین منزلت شغلی زوجین و مشارکت زنان رابطه وجود دارد.
- بین دارایی‌های زنان و مشارکت آنان رابطه وجود دارد.
- مشارکت زنان بر اساس تصور آنها از نقش خود متفاوت است.
- مشارکت زنان بر اساس تصور شوهرشان نسبت به خود متفاوت است.

مطابق اطلاعات ۱۰۰ درصد پاسخگویان زن بوده‌اند، ۳۲/۹ درصد تحصیلات زن دیپلم و زیر دیپلم، ۳۹/۴ درصد کاردانی و کارشناسی، ۲/۶ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر و ۲۵/۱ درصد بیسواد و ابتدایی بوده‌اند. ۴۲/۲ درصد تحصیلات شوهر، دیپلم و زیردیپلم، ۳۱/۱ درصد کاردانی و کارشناسی ۲/۸ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر و ۲۳/۸ درصد بیسواد و ابتدایی بوده‌اند. بطورکلی تقریباً در تمامی سطوح تحصیلی میزان تحصیلات زنان و شوهران یکسان بوده است. (جدول ۱)

جدول ۱: فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای اسمی

متغیر	حالات یا صفات متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	زن	۳۸۳	۱۰۰.۰
	بیسواد - ابتدایی	۹۶	۲۵.۱
تحصیلات زن	زیر دیپلم - دیپلم	۱۲۶	۳۲.۹
	فوق دیپلم - لیسانس	۱۵۱	۳۹.۴
	فوق لیسانس - دکتری	۱۰	۲.۶
	بیسواد - ابتدایی	۹۱	۲۳.۸
تحصیلات شوهر	زیر دیپلم - دیپلم	۱۶۲	۴۲.۲
	فوق دیپلم - لیسانس	۱۱۹	۳۱.۱
	فوق لیسانس - دکتری	۱۱	۲.۸

توصیف شاخص‌های پژوهش

نگرش‌های جنسیتی

تصور زن از نقش خود:

بررسی مؤلفه‌های متغیر تصور زن از نقش خود نشان می‌دهد که ۷۶.۱ درصد پاسخگویان نقش اصلی زن را ایجاد روابط عاطفی برای شوهر و فرزندانش می‌دانسته و موافق این امر بوده‌اند. میانگین این مؤلفه ۴/۳ از ۵ می‌باشد که بیانگر موافقت اکثریت پاسخگویان با این عبارت بوده است.

۵۶/۷ درصد افراد پاسخگو مخالف مؤلفه عدم دخالت زن در تصمیمات مهم زندگی بوده‌اند میانگین این مؤلفه ۲/۵ و بیانگر مخالفت اکثریت افراد مورد بررسی در این مورد می‌باشد. بطور کلی میانگین متغیر تصور زن از نقش خود ۳/۳۶ می‌باشد. دامنه میانگین‌ها ۱ تا ۵ می‌باشد که ۱ نشان دهنده کمترین میزان موافقت و ۵ بیشترین میزان موافقت است. (جدول ۲)

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصدی تصور زن از نقش خود

انحراف معیار	میانگین	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق	
۰.۷۵	۴.۳	۰.۳	۱.۳	۱۲.۳	۳۸.۴	۴۷.۷	نقش اصلی زن ایجاد روابط عاطفی
۱.۰	۳.۶	۲.۴	۱۰.۲	۳۲.۴	۳۱.۶	۲۳.۵	احترام زن به تمامی تصمیمات مرد
۱.۱	۳.۲	۹.۴	۱۶.۱	۳۳.۱	۲۵.۰	۱۶.۴	اطاعت زن خوب در برابر خواسته‌های همسر
۱.۱	۲.۵	۱۶.۶	۴۰.۱	۲۳.۳	۱۳.۶	۶.۴	عدم دخالت زن در تصمیمات مهم زندگی
۱.۳	۳.۳	۱۰.۹	۱۸.۱	۲۲.۶	۲۳.۹	۲۴.۵	عدم خروج زن از منزل بدون اجازه همسر
۱.۱	۳.۳	۶.۹	۱۴.۴	۳.۴	۲۴.۲	۲۰.۵	اجازه گرفتن زن در انجام کارها

تصور زن از نگرش شوهر نسبت به نقش خود:

۴۲/۲ درصد افراد مورد بررسی کاملاً موافق و موافق مؤلفه حرف شنوی کامل زن از شوهر بوده میانگین این گویه ۳/۲ بوده و کمی بیش از متوسط ارزیابی شده است. همچنین میانگین موافقت اجازه گرفتن زن از شوهر در انجام کارها ۳/۲ و در حد متوسط به بالا عنوان شده است. در موارد دیگر میزان موافقت کمتر از حد متوسط بوده است. میانگین کل متغیر تصور زن از نگرش شوهر نسبت به نقش خود ۲/۸۸ از ۵ و کمتر از حد متوسط می‌باشد. (جدول ۳)

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی تصور زن از نگرش شوهر نسبت به نقش خود

انحراف معیار	میانگین	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق	
۱.۲	۳.۲	۲۲.۳	۲۲.۳	۲۷.۹	۲۲.۳	۱۹.۹	حرف شنوی کامل زن از شوهر
۱.۱۷	۲۶	۱۴.۲	۳۷.۸	۲۴.۹	۱۲.۶	۱۰.۵	عدم دخالت زن در امور خارج از منزل
۱.۳	۲۸	۱۸.۱	۲۷.۹	۲۲.۹	۱۵.۲	۱۶.۰	حضور زن در خانه و رسیدگی به امورات
۱.۲	۳.۲	۸.۳	۱۹.۵	۳۳.۶	۱۷.۹	۲۰.۸	اجازه گرفتن زن از شوهر در انجام کارها
۱.۲	۲۶	۱۷.۶	۳۲.۲	۲۳.۷	۱۶.۵	۱۰.۱	مطیع بودن زن از شوهر در تصمیمات مهم

میزان بهره مندی از منابع (قدرت زن)

تحصیلات:

۳۹/۴ درصد افراد پاسخگو دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس بوده‌اند. در صورتی که سطح تحصیل ۳۱/۱ شوهران در همین مقطع بوده است. بیشتر شوهران پاسخگو دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم بوده‌اند. بنابراین سطح تحصیلی زنان بیشتر از شوهرانشان بوده است. (جدول ۴)

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی تحصیلات

تحصیلات شوهر		تحصیلات پاسخگو		
فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	
۲۳.۸	۹۲	۲۵.۱	۹۷	بیسواد-ابتدایی
۴۲.۲	۱۶۳	۳۲.۹	۱۲۷	زیر دیپلم-دیپلم
۳۱.۱	۱۲۰	۳۹.۴	۱۵۲	فوق دیپلم-لیسانس
۲.۸	۱۱	۲.۶	۱۰	فوق لیسانس-دکتری
۱۰۰.۰	۳۸۶	۱۰۰.۰	۳۸۶	جمع

دارایی:

۲۲۱ نفر دارای اموال ثبتي بوده‌اند، که از بين آنان، ۴۳/۴ درصد خانه مسکونی، ۲۹/۹ درصد ماشین، ۲۰/۴ درصد زمین، ۵ درصد مغازه و ۱/۴ درصد ویلا به نام آنان ثبت شده است. (جدول ۵)

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصدی دارایی های پاسخگو

فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	
۹۶	۴۳.۴	خانه مسکونی
۶۶	۲۹.۹	ماشین
۳	۱.۴	ویلا
۱۱	۵.۰	مغازه
۴۵	۲۰.۴	زمین
۲۲۱	۱۰۰	جمع

پایگاه شغلی:

۵۷/۱ درصد زنان و ۵۶ درصد شوهران دارای پایگاه شغلی متوسط بوده ۸۰ درصد در هنگام ازدواج، موقعیت خانواده شوهرنشان متوسط و برابر با آنان بوده ۲۰/۶ درصد پایگاه شغلی زنان و ۳۱ درصد پایگاه شغلی شوهران بالا و خیلی بالا ۲۳/۸ درصد عنوان نمودند در هنگام ازدواج موقعیت خانواده شوهرشان بالاتر و خیلی بالاتر از آنان بوده است. (جدول ۶)

جدول ۶: توزیع فراوانی و درصدی ارزیابی پایگاه شغلی

موقعیت خانواده شوهر		پایگاه شغلی شوهر		پایگاه شغلی خود		
فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی	
۳.۱	۱۲	۶.۹	۲۶	۴.۴	۱۶	خیلی بالا
۲۰.۷	۸۰	۲۴.۱	۹۱	۱۶.۲	۵۹	بالا
۶۹.۸	۲۷۰	۵۶.۰	۲۱۱	۵۷.۱	۲۰۸	متوسط
۵.۴	۲۱	۹.۸	۳۷	۱۶.۸	۶۱	پایین
۱.۰	۴	۳.۲	۱۲	۵.۵	۲۰	خیلی پایین

آزمون فرضیه ها

- بین منزلت شغلی زوجین و میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه نتیجه آزمون مقدار Sig را برابر ۰/۰۳ نشان میدهد بدین معناست که فرضیه فوق تأیید می شود. یعنی میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری های خانواده با توجه به دارایی شان تفاوت معناداری دارد. مقایسه میانگین ها نشان داد که میانگین مشارکت در تصمیم گیری های خانواده از سوی زنانی که دارای داشته اند ۳/۲ و زنانی که دارای نداشته اند، ۳ بوده است. بنابراین این فرضیه مورد تأیید است. (جدول ۷)

- بین دارایی‌های زنان و میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد.

با توجه به این که نتیجه آزمون مقدار Sig را برابر با ۰/۰۳ نشان می‌دهد، بدین معناست که فرضیه فوق تأیید می‌شود. یعنی میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده با توجه به دارایی‌شان تفاوت معناداری دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان داد که میانگین مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده از سوی زنانی که دارایی داشته‌اند ۳/۲ و زنانی که دارایی نداشته‌اند ۳ بوده است. بنابراین این فرضیه مورد تأیید است. (جدول ۷)

جدول ۷: نتیجه آزمون فرضیات متغیرهای اسمی دو حالتی

نتیجه	مقدار sig	فرضیه
تأیید شد	۰.۰۱	به نظر می‌رسد بین منزلت شغلی زوجین و میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه وجود دارد
تأیید شد	۰.۰۳	به نظر می‌رسد بین دارایی زنان و میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد

- بین تحصیلات هر یک از زوجین و میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد.

با توجه به این که نتیجه آزمون مقدار f را برابر با ۱/۸۸ و مقدار sig را برابر با ۰/۱۳ نشان می‌دهد، بدین معناست که فرضیه فوق معنی دار نمی‌باشد. یعنی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده برحسب سطح تحصیلاتشان تفاوتی با هم ندارد. (جدول ۸)

جدول ۸: نتیجه آزمون فرضیات متغیرهای اسمی چند حالتی

نتیجه	مقدار f	مقدار sig	فرضیه
رد شد	۱.۸۸	۰.۱۳۲	به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات زنان و میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین میزان بهره مندی از منابع با میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه نتیجه آزمون مقدار r را برابر با $0/4$ و مقدار sig را برابر با $0/000$ نشان می‌دهد، فرضیه فوق تأیید می‌گردد. عبارتی هر چقدر میزان بهره مندی از منابع بیشتر باشد مشارکت زن در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده افزایش می‌یابد. لازم به یادآوری است میزان همبستگی مشاهده شده در حد قوی و نسبتاً بالایی می‌باشد. (جدول ۹)

- بین تصور زنان از نقش خود و میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری‌های خانواده رابطه وجود دارد.

با توجه به این که نتیجه آزمون مقدار r را برابر با $0/33$ و مقدار sig را برابر با $0/000$ نشان می‌دهد، فرضیه فوق تأیید می‌گردد. به عبارتی هر چقدر تصور زنان از نقش خود مثبت‌تر باشد مشارکت زن در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده افزایش می‌یابد. لازم به یادآوری است میزان همبستگی مشاهده شده در حد متوسطی می‌باشد. (جدول ۹)

- بین تصور زنان از نگرش شوهرشان نسبت به خود و میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری‌های خانواده رابطه وجود دارد.

میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری‌های خانواده بر حسب تصور زنان از نگرش شوهرشان نسبت به خود دارای تفاوت معنی داری می‌باشد. با توجه به اینکه نتیجه آزمون مقدار r را برابر با $0/28$ مقدار sig را برابر با $0/000$ نشان می‌دهد بنابراین هرچه تصور زنان از نگرش شوهرشان نسبت به خود مثبت‌تر بوده است میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری‌های خانواده افزایش یافته است. فرضیه فوق مورد تأیید است. (جدول ۹)

جدول ۹: نتیجه آزمون فرضیات فاصله ای

نتیجه	sig	r	فرضیه
تأیید شد	۰.۰۰۰	۰.۴۰	به نظر می‌رسد بین میزان بهره مندی از منابع با میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد.
تأیید شد	۰.۰۰۰	۰.۳۲	به نظر می‌رسد بین نگرش‌های جنسیتی با میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد.
تأیید شد	۰.۰۰۰	۰.۳۳	به نظر می‌رسد بین تصور زنان از نقش خود و میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری‌های خانواده رابطه وجود دارد.
تأیید شد	۰.۰۰۰	۰.۲۸	به نظر می‌رسد بین تصور زنان از نگرش شوهرشان نسبت به خود و میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری‌های خانواده رابطه وجود دارد.

آزمون رگرسیون چند متغیری

در مدل نهایی مقدار R^2 ، ۲۰ درصد بوده است، این مقدار بدین معنی است که ۲۰ درصد واریانس متغیر وابسته پژوهش (مشارکت زن در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده) توسط متغیرهای قابل پیش بینی است. حدود ۸۰ درصد دیگر واریانس متغیر وابسته پژوهش از طریق متغیرهای مستقل دیگر تحقیق پیش بینی شده است. (جدول ۱۰)

جدول ۱۰: میزان تبیین متغیر وابسته بر اساس مدل‌های گوناگون رگرسیونی

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
۱	۳۹۹.a	.۱۵۹	.۱۵۶	.۳۱۲۵۷	
۲	۴۲۵.b	.۲۰۵	.۱۹۸	.۳۰۴۵۸	.۳۱۱

a. Predictors: (Constant), بهره مندی از منابع

b. Predictors: (Constant), بهره مندی از منابع, نگرش جنسیتی

c. Dependent Variable: مشارکت y

به طور خلاصه از مجموع کل متغیرهای مستقل متغیرهای (بهره مندی از منابع - نگرش‌های جنسیتی) در مدل نهایی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. همانگونه که ملاحظه می‌شود این ۲ متغیر به میزان $(r=0/4)$ با متغیر وابسته همبستگی دارند. ضریب تعیین (R square) حاصله، نیز بیانگر آن است که ۲۰ درصد از مشارکت زن در تصمیم گیری‌های مربوط به خانواده، تابع متغیرهای مستقل مزبور است.

جدول ۱۱: مدل ۳ تحلیل رگرسیونی گام به گام

		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
۱	(Constant)	۲.۴۰۵	.۱۰۱		۲۳.۸۷۵	.۰۰۰
	بهره مندی از منابع	.۲۵۶	.۰۳۷	.۳۹۹	۶.۸۸۹	.۰۰۰
۲	(Constant)	۲.۱۴۸	.۱۱۹		۱۷.۹۹۶	.۰۰۰
	بهره مندی از منابع	.۲۴۲	.۰۳۶	.۳۷۷	۶.۶۴۱	.۰۰۰
	نگرش جنسیتی	.۰۹۳	.۰۲۵	.۲۱۵	۳.۷۸۹	.۰۰۰

a. Dependent Variable: مشارکت y

لذا، معادله رگرسیونی مدل نهایی عبارت است از:

$$Y = 2.1 + 0.09(\text{نگرش جنسیتی}) + 0.24(\text{بهره مندی از منابع})$$

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده بود، یافته‌ها و نتایج پژوهش با توجه به پیشینه عملی و نظری نشان داد که هماهنگی با نظریه منابع و جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی می‌باشد و فرضیه‌های اصلی تحقیق مورد تایید قرار گرفت. بر اساس نظریه منابع، قدرت مالی و دسترسی به منابع و امکانات موجب مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده می‌شود. آنچنان که هر چه فرد به این منابع دسترسی بیشتری داشته باشد از قدرت بیشتری نیز برخوردار است، یعنی در محیط خانواده تعادل و توازن قدرت در تصمیم‌گیری به نفع آن کسی است که منابع و امکاناتی را که سایر اعضای خانواده برای رفع نیازها و رسیدن به اهدافشان نیاز دارند را در دست دارد و همانطور که مشاهده گردید فرضیه اصلی رابطه بین بهره‌مندی از منابع و مشارکت زنان و فرضیه‌های فرعی رابطه بین منزلت شغلی زوجین و مشارکت زنان و رابطه داری‌ها و مشارکت زنان مورد تایید قرار گرفت (البته به استثنای فرضیه تحصیلات). این یافته با نتایج تحقیقات امیریزی (۱۳۷۷)، امامی نصیر محله (۱۳۸۳)، توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، گلشنی (۱۳۹۰)، علوی (۱۳۹۱)، کیانی (۱۳۸۷)، مدیری (۱۳۸۹)، زو و بیان (۲۰۰۵)، بکر (۲۰۰۶)، ایدیران (۲۰۰۹)، ادوین ون (۲۰۱۰)، رشید (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

در فرضیه اصلی دوم هم نتیجه‌گیری شد بین نقش‌های جنسیتی و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده رابطه وجود دارد و فرضیه‌های فرعی تصور زنان از نقش خود، تصور زنان از نگرش شوهرشان رابطه مثبت و معنادار را نشان داد که از این لحاظ مؤید تحقیقات جاراللهی (۱۳۷۱)، امیریزی (۱۳۷۷)، امامی نصیر محله (۱۳۸۳) توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، علوی (۱۳۹۰)، زو و بیان (۲۰۰۵) و بکر (۲۰۰۶) و نظریه جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت در نظریه جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، رابطه قابل توجهی میان ادراک و ایدئولوژی‌های جنسیتی و روابط زوجین وجود دارد که از جمله آن‌ها جریان تصمیم‌گیری در خانواده است که در این پژوهش از آن به عنوان عامل تثبیت‌کننده روابط قدرت یاد شده است.

پیشنهادها

همانطور که قبلاً ذکر گردید نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای تصور زنان از نقش خود و همچنین تصور زن از نگرش شوهر، با میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه مؤثر داشته است. این امر بدان معناست باورهای فرهنگی که از طریق جامعه‌پذیری بوسیله خانواده‌ها به کودکان دختر منتقل می‌شود، موجب ایجاد اعتماد به نفس در آنان شده بطوریکه در آینده تأثیر خود را نه تنها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بلکه در سطح وسیع‌تر در ساختار تشکیل خانواده (استبدادی یا دموکراتیک) تأثیر خواهد گذاشت. محو عقاید قالبی، به معنای خانواده به عنوان محلی برای حکمرانی مرد و امر بری سایر

اعضا، با نداشتن حق اظهار نظر زنان در امور خانواده، هنگامی رخ خواهد داد که در خانواده‌ها عملاً از کودکان (دختران) بخواهند در مورد سرنوشت شان اظهار نظر کنند یا اساساً خانواده از نوعی باشد که فرزندان عملاً مشاوره و همفکری والدین را بچشم خود ببینند. در آنصورت، در مسیر شکل‌گیری شخصیت کودکان، همفکری و مفاهمه به امری درونی بدل خواهد شد و افراد از زور و سلطه برای پیش بردن احکام و اهداف خود استفاده نخواهند کرد. تحقق این امر مستلزم تلاشی مضاعف و همگانی است. بی‌شک نقش بی‌دلیل رسانه‌های جمعی در تغییر نگرش‌های جنس‌گرایانه، بر کسی پوشیده نیست و باید اصحاب رسانه در این راستا برنامه ریزی دقیقی داشته باشند، همچنین بازنگری متون و محتوای آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها با در نظر گرفتن شئون و جایگاه واقعی زنان کارساز خواهد بود.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد میزان بهره‌مندی از منابع با میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای خانواده رابطه مؤثر داشته است. این وضعیت از طرفی با موقعیت و پایگاه اقتصادی زنان نیز در رابطه بوده است بطوریکه زنانی که در موقعیت اقتصادی بالاتری بودند مشارکت بیشتری نیز نسبت به زنانی داشته‌اند که پایگاه اقتصادی پایین تری دارند. رفع موانع در جهت اشتغال می‌تواند در این مهم تأثیرگذار باشد. ایجاد اشتغال برای زنان و در قبال آن افزایش درآمد و دارایی زنان موجب بالا رفتن منابع و افزایش مشارکت آنان خواهد شد که باید مسئولین و دست‌اندرکاران به لحاظ تسهیلات (وام، مجوز و ...) و کمک به ایجاد زمینه‌های شغلی، کارآفرینی نمایند و همچنین با تدوین قوانینی جهت رفع تبعیض در جذب زنان در مشاغل تخصصی در سطح جامعه تلاش نمایند.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس. (۱۳۹۰). **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه: منیژه نجم عراقی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- آبوت پاملا و کلر والاس. (۱۳۷۶). **درآمدی بر جامعه‌شناسی**: نگرش‌های فمینیستی، ترجمه: مریم خراسانی و حمید احمدی. تهران: انتشارات دنیای مادر.
- آمار منتشر نشده استانداری استان خراسان شمالی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۲). **جامعه‌شناسی خانواده: تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- امامی نصیر محله، علی (۱۳۸۳). **بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- امیریزی، فاطمه (۱۳۷۷). **جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.

- اوکلی، پیترو و دیوید مارسدن (۱۳۷۰). **رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی**. تهران: نشر ارغنون.

- بستان نجفی، حیدر (۱۳۸۳). **اسلام و جامعه شناسی خانواده**، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- توسلی، افسانه و وحیده سعیدی (۱۳۹۰). **تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده شهر ایوانکی. زن در توسعه و سیاست**. دوره ۹، ش ۳.

- جاراللهی، عذرا (۱۳۷۱). **تاریخچه اشتغال زنان در ایران، علوم اجتماعی**، دانشگاه علامه طباطبایی تهران. شماره ۳ و ۴.

- جمشیدی، ایوب (۱۳۸۰). **مدیران زن در جامعه ایران**.

- رابرتسون، یان (۱۳۷۳). **درآمدی بر جامعه**، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- روزنباوم، هایدی (۱۳۷۶). **خانواده به مثابه ساختاری در مقابل جامعه**، ترجمه: محمد صادق مهدوی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- ریترز، جورج. (۱۳۸۹). **مبانی نظری و جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن**. ترجمه: شهناز مسمی پرست. تهران: نشر ثالث.

- ریترز، جورج. (۱۳۷۴). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی

- ساروخانی، باقر و محمد امیر پناهی (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. پژوهش زنان. دوره ۴. شماره ۳ و ۲.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۷). جامعه شناسی زنان و خانواده. چاپ دوم. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- صانعی پرویز (۱۳۵۵). تبعیض نسبت به زن و آثار اجتماعی آن، تهران: سازمان زنان ایران.
- علوی، سیده کوثر (۱۳۹۱) عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر تمایل زنان متأهل در هرم قدرت در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- کیانی، مزده (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم گیری‌های خانوادگی، شهر جدید بهارستان. علمی - پژوهشی تحقیقات زنان. سال دوم. شماره ۴.
- گرت، استفانی (۱۳۸۳). جامعه شناسی جنسیت، ترجمه: کتابون بقایی. چاپ سوم. تهران: انتشارات دیگر.
- گلشنی، میمنت (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر قدرت تصمیم گیری زنان در بابل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲). خانواده و جامعه، ترجمه: ویدا ناصحی. تهران: نشر بنگاه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر محسنی. تهران: نشر نی.
- مدیری، شیده (۱۳۸۹). بررسی جامعه شناختی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی زوجین بر هرم قدرت در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته مطالعات زنان. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات تهران.
- مطیع، ناهید (۱۳۷۲). بررسی نقش و پایگاه اجتماعی زن در جامعه روستایی ایران با تأکید بر منطقه ایوانکی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱). **درآمدی بر مشارکت اجتماعی**. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. چاپ اول.

- میشل، آندر. (۱۳۵۴). **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**. ترجمه: فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

- Becker, S. and, colleagues.(2006). **Husbands' and wives' reports of women's decision-making power in Western Guatemala. Population and Family Department**, Johns Hopkins University, Baltimore, MD 21205-2179, US .22.

- Edwin van Teijlingen. and, colleagues.(2010). **Women's autonomy in household decision-making: a demographic study in Nepal.**

- Kaufman, Gayle. (2000). "Do Gender Role Attitude Matter? Family Formation and Dissolution among Traditional and Egalitarian Men and Women." **Journal of Family Issues** 21(1):128.

- Oyediran, Kola' A. and, Ayodele F. Odusola. (2009) Poverty and the Dynamics of Women's Participation in Household Decision-Making in Nigeria. **African Population Studies Supplement A** to vol 19/Etude de la population africaine Supplément A du vol. 19 ,NO.116.

- Rashid, MU. MM Islam. (2011). **Women's Participation in Family Decision Making in Dumki Upazila of Patuakhali District**. The Agriculturists . Vol 9, No 1-2.

- Zafar,s. and, colleagues.(2010). **The Effect of Women's Work Outside the House on Family Decision Making**. J. Agriculture. Khomeini. Science, Vol. 1, No. 3.

- Zuo, Jiping, and Yanjie Bian. (2005). "Beyond Resources and Patriarchy: Marital Construction of Family Decision Making Power in Post-Mao Urban China." **Journal of Comparative Family Studies** 36(4):601-622.